

تحلیل و تشریح نظریه شش عاملی شخصیت مایکل اشتون و کیبوم لی

غفور جنگی

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

Email: qghafour@gmail.com

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر تحلیل و تشریح نظریه شخصیت شش عاملی مایکل اشتون و کیبوم لی با استفاده از روش تحقیق کتابخانه ای بر اساس مطالعه جدیدترین منابع در حوزه روانشناسی شخصیت می باشد. مایکل اشتون و کیبوم لی (۲۰۰۴) مدل شخصیت شش عاملی را ارائه داده اند. دو تا از عوامل - برون گرایی و وظیفه شناسی - شبیه عواملی هستند که در مدل پنج عاملی یافت می شوند؛ چهار عامل دیگر با نظریه پیشین تا اندازه ای تفاوت دارند و منحصر به این مدل شخصیت هستند. اشتون و لی این ابعاد شخصیت استخراج شده از مطالعات واژه ای را هگزاکو نامیدند که اختصاری است برای: صداقت - تواضع، تهییج پذیری، برون گرایی، سازگار بودن، با وجدان بودن، و گشودگی به تجربه. با توافق عمومی روانشناسان بر سر پنج عامل بزرگ شخصیتی به نظر می رسید که پایان بحث سنجش صفات کلی شخصیتی نزدیک است، اما بررسی های بیشتر نشان داد که زبان عاملی مخل در این زمینه است. مطالعات بین فرهنگی نشان داده است که ساختارهای بهتری نیز در این زمینه وجود دارد که مدل هگزاکو (HEXACO) یا مدل شش عاملی شخصیت حاصل این مطالعات است که در واقع به بازآرایی دوباره صفات پنج گانه در قالب شش صفت شخصیتی پرداخته است. کلمه HEXACO از سر کلمات شش بعد شخصیتی این مدل تشکیل شده است.

واژه‌های کلیدی: شخصیت، مدل شش عاملی، اشتون و لی، هگزاکو

مقدمه

شخصیت حوزه بسیار گسترده ای است زیرا شخصیت خود موضوعی است پیچیده و دارای ابعاد و جنبه های گوناگونی است. برای شناخت شخصیت انسان از دیرباز کوشش های فراوانی به عمل آمده که برخی از آنها غیر عملی، بعضی خرافاتی و معدودی دیگر علمی و معتبر است. در زبان عامه شخصیت، معانی دیگری دارد. مثلاً وقتی گفته می شود که کسی با شخصیت است یعنی اینکه او دارای ویژگی هایی است که می تواند افراد دیگر را تحت نفوذ خود قرار دهد یا متانت و وقار ویژه ای دارد. همینطور در برابر آن بی شخصیت، به معنی داشتن ویژگی های منفی است. همچنین کلمه شخصیت در عرف بعنوان چهره مشهور و صاحب صلاحیت در حوزه هایی همچون شخصیت سیاسی، علمی، هنری و از این قبیل بکار می رود. شخصیت «یک مفهوم انتزاعی» است، یعنی آن چیزی مثل انرژی در فیزیک است که قابل مشاهده نیست بلکه آن از طریق ترکیب رفتار، افکار، انگیزش، هیجان و غیره استنباط می شود (خسروی، رسول بهی و مددلو، ۱۳۹۵). شخصیت باعث تفاوت کل افراد (انسانها) از همدیگر می شود اما این تفاوت ها فقط در بعضی ویژگی ها و خصوصیات است. به عبارت دیگر افراد در خیلی از ویژگی های شخصیتی به همدیگر شباهت دارند بنابراین شخصیت را می توان از این جهت که چگونه مردم با هم متفاوت هستند؟ و از جهت اینکه در چه چیزهایی به هم شباهت دارند، بررسی کرد. از طرف دیگر شخصیت یک موضوع پیچیده است ولی از زمان های قدیم برای شناخت آن کوشش های فراوانی شده است. شخصیت را می توان الگوهای اختصاصی و متمایز تفکر، هیجان و رفتار دانست که اسلوب شخصی تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی هر شخص را رقم می زند. یکی از نظریه های شخصیت که سعی در توجیه منش و خوی افراد با تمایل ها و گرایش های آنان دارد، دیدگاه گرایشی است، این دیدگاه بر این باور است که گرایش ها، ویژگی هایی هستند که افراد با خود حفظ می کنند، به خود آن ها تعلق دارند و جزئی از آن ها هستند (آتکینسون و همکاران، ۲۰۱۲). سه رویکرد منشعب شده از دیدگاه گرایشی شامل رویکرد تیپ و خصیصه (صفت)، رویکرد نیازها و انگیزه ها، رویکرد زیست شناسی و خلق و خو می باشد. در رویکرد انگیزشی به شخصیت، این فرض وجود دارد که رفتار را به بهترین گونه می توان به منزله بازتاب مجموعه ای از نیازهای زیربنایی تصور کرد در رویکرد زیست شناسی خلق و خوی، روان شناسان جنبه های زیستی و ذاتی شخصیت را خلق و خو نامیده اند. آلپورت بر این باور بود که صفات، واحدهای اصلی شخصیت اند. صفات واقعیت دارند و جایگاه آن ها در سیستم عصبی انسان قرار دارد. او بین صفات اصلی (آمادگی فراگیر و مشخص در زندگی فرد)، صفات محوری (با فراگیری کمتر از صفات اصلی) و صفات ثانویه (کم ترین فراگیری، همسانی و قابلیت مشاهده) تفاوت قایل شد. مدل ۵ عاملی شخصیت پرتعدادترین مدل شخصیت، شده بود. براساس مدل ۵ عاملی، صفات شخصیتی عبارتند از: برونگرایی، نورزگرایی، وظیفه شناختی هم سازی و تجربه پذیری اما پژوهشگران بیان کرده اند که این ۵ عامل همه صفات را پوشش نمی دهد و فراتر از این ۵ عامل صفات دیگری هم وجود دارند. نخستین تغییر در مدل ۵ عاملی افزایش عامل ها به عدد شش بود است (مرتضوی و امیری مجد، ۱۳۹۷).

تعریف شخصیت

اصطلاح شخصیت از کلمه لاتین پرسونا به معنای نقاب اخذ شده است. در یونان باستان، بازیگران به هنگام نمایش ماسکی را به صورت خود می زدند و از طریق آن، نقش واقعی خود را که در ارتباط با همان نقاب بوده است ارائه می دادند. مردم نیز سعی دارند رفتار خود را مطابق خواسته ها و انتظارات اجتماعی بروز دهند. اما شخصیت در معنای علمی به همین سادگی قابل تبیین نیست، زیرا شخصیت یک مفهوم انتزاعی است که از طریق انسجام و هماهنگی مجموعه ای از خصوصیات معنا پیدا می کند. این خصوصیات عبارتند از: عواطف و هیجانانگیزه ها، افکار، تجارب و ادراکات. از سوی دیگر شخصیت تنها شامل جنبه های ظاهری رفتار نیست بلکه به معنای واقعی شخصیت چند بعدی است و این ابعاد شامل طیفی از فرایندهای درونی و ذهنی است که افراد را وادار به انجام رفتار معینی می کند. به همین دلیل هر یک از نظریات موجود در روان شناسی شخصیت، تعریف ویژه ای از شخصیت ارائه می دهند، برای نمونه راجرز در تعریف شخصیت از اصطلاح خود استفاده می کند و یا اریکسون به هویت اشاره می کند. از نظر او شخصیت آن چیزی است که در طی مراحل و

بحران های رشد حاصل می شود. هر اندازه موضوعی از پیچیدگی بیشتری برخوردار باشد، تعریف آن موضوع دشوارتر می شود و یکی از این موضوعات پیچیده شخصیت است. به این دلیل، پیچیدگی موجود در شخصیت، تعریف آن را دشوار کرده است (دارابی، ۱۳۹۷). شخصیت می تواند به دو شیوه کاملاً متقابل تعریف شود: یا ۱- به صورت مجموعه ای از ویژگی ها که یک فرد را توصیف می کند. یا ۲- به صورت نظامی که خود، این ویژگی ها را تولید می کند. فاندرا^۱ (۲۰۱۲) تعریفی از شخصیت ارائه داده است که هم تعریف ۱ و هم تعریف ۲ را در بردارد: "شخصیت الگوهای اختصاصی از افکار، هیجانات و رفتارهای فردی است، همراه با ساز و کارهای روانشناختی پیدا و ناپیدا در پس آن الگوها". تعریف فاندرا بر "الگوهای اختصاصی" تمرکز دارد بدون اینکه تعیین کند این الگوها به طور ذاتی در فرد وجود دارد یا در اثر تعامل بین فرد و محیط بین فردی اش ایجاد شده است و هیچ معلوم نمی کند که آیا این سازوکارها درون فرد است یا بین افراد، این ابهام و گنگی کمک می کند که این تعریف نسبت به سایر تعاریف فراگیرتر و جامع تر باشد. برای مثال، آلپورت^۲ (۱۹۳۷) معنای متمایز از شخصیت را در یک کتاب قدیمی مورد بررسی قرار داده است. این معانی متضاد و متنوع در یک پیوستار از رفتارهای قابل مشاهده و ظاهری فرد تا خود درونی او مرتب شده است و تمام این پیوستار می تواند با تعریف فاندرا تطابق یابد. در مقابل، آلپورت بر یک طرف پیوستار تمرکز می کند و مابقی را نادیده می گیرد. او در انتقاد به تعریف توده مردم از شخصیت، تعریف اختصاصی تری ارائه داد: "شخصیت یک سازمان پویا درون نظام روانی فرد است که سازگاری منحصر به فرد او با محیطش را تعیین می کند. آلپورت این را مفهومی «زیستی فیزیکی» می خواند. این متمرکز بر چیزی است که یک فرد هست یا صرف نظر از رفتارهایی که سایر افراد کیفیت آن را درک می کنند یا مورد ارزیابی قرار می دهند. اصطلاح «درون فرد» و «نظام های تعیین کننده» تأکید بر ساز و کارهای زیربنایی در پس رفتار را معلوم می سازد (قاسم زاده و محمود علیلو، ۱۳۹۸).

ژیل و زیگلر^۳ (۱۹۹۲) این تعاریف را به چهار دسته تقسیم کردند:

- ۱- تعاریفی که روی فردیت و یگانگی افراد تأکید می کند. در این تعاریف شخصیت شامل خصوصیات است که افراد را از یکدیگر متمایز می کند، بنابراین تأکید روی تفاوت های فردی است.
- ۲- تعاریفی که بر ساختارها و سازه های درونی و فرضی تأکید می ورزند. در این گونه تعاریف، رفتارهای آشکار، بخش کمی از تعریف را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر در این مفهوم شخصیت شامل انتزاعاتی است که این انتزاعات از رفتارهای آشکار و مشاهدات رفتاری اخذ شده است.
- ۳- تعاریفی که روی تاریخچه زندگی و مراحل رشد تأکید دارند. در این دیدگاه ها، شخصیت حاصل رویدادهای درونی و بیرونی است. رویدادهای درونی شامل آمادگی های ژنتیکی و بیولوژیکی و رویدادهای بیرونی تجربیات اجتماعی و رویدادهای محیطی را شامل می شود.
- ۴- تعاریفی که روی الگوهای رفتار تأکید دارند. در این گونه تعاریف فرض می شود که شخصیت به طور نسبی در طی زمان ثابت می ماند و تداوم می یابد. این ثابت در الگوهای رفتاری از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر ثابت باقی می ماند (به نقل از زیگلر، ۲۰۱۶).

از دسته بندی فوق این نتیجه حاصل می شود که تعاریف ارائه شده از شخصیت یک زیر بنای نظری دارد و نمی توان گفت که تعریفی درست و تعریفی دیگر غلط است، اما می توان با در دست داشتن ملاک هایی به ارزیابی این تعاریف پرداخت. در ابتدا این موضوع که تحقیق در علوم از اهمیت ویژه ای برخوردار است، می توان گفت تعاریفی مفید است که منجر به انجام تحقیق شود و بتوان آن را به شیوه ای علمی بررسی کرد. تعاریفی که بسیار انتزاعی باشد و نتوان در دنیای عمل آن را اندازه گیری و مشاهده کرد اهمیت کمتری از تعاریف عملی دارد (نجاریان و عبدی، ۱۳۹۸).

^۱ - Funder

^۲ - Allport

^۳ - Hjelle & Ziegler

کارکرد شخصیت

کارکرد شخصیت - که به عنوان یکپارچگی ساختاری یا سازمان شخصیتی نیز شناخته می‌شود - ظرفیت‌های پردازش و تنظیم مملو از عاطفه مرتبط با خود و مرتبط با دیگر را توصیف می‌کند. بیمارانی که از اختلال در کارکرد شخصیت رنج می‌برند - در بدترین حالت منجر به اختلال شخصیت می‌شود - عملکرد روانی اجتماعی به طور قابل توجهی کاهش یافته است که شامل مشکلات در خود تنظیمی و تنظیم روابط بین فردی است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳).

فرض بر این است که کارکرد شخصیت در یک پیوستار از سطوح غیر مختل/ خوب ادغام شده تا به شدت آسیب دیده/ از هم پاشیده متفاوت است. شدت آسیب شناسی شخصیت با درجه اختلالات در خود و عملکرد بین فردی تعریف می‌شود. کارکرد شخصیت در یک سطح یکپارچه با احساس منسجم از خود، عملکرد انعطاف پذیر حتی زمانی که تحت فشار درگیری‌های بیرونی یا درونی قرار می‌گیرد، بیان و تنظیم مناسب تکانه‌ها و احساسات، ارزش‌های اخلاقی درونی شده و مشارکت در روابط رضایت بخش مشخص می‌شود. افرادی که در سطوح پایین‌تر از کارکرد شخصیتی قرار دارند، معمولاً از جمله مشکلات مشخصی در خودتنظیمی یا تمایز خود از دیگری (به عنوان مثال، نسبت دادن حالات ذهنی به خود یا شخص دیگری) نشان می‌دهند که با طیفی از چالش‌های مرتبط با رفتارهای نامطلوب بهداشتی و روابط بین فردی همراه است، از جمله رابطه پزشک و بیمار. در محیط بالینی، بیمارانی که سطوح پایین‌تری از کارکرد شخصیتی دارند، اغلب به عنوان «درمان مشکل» تجربه می‌شوند. در نتیجه، تمرکز بر حوزه‌های فراتر از علائم، مانند کارکرد شخصیت، به عنوان بسیار مهم برای نشانه‌ها و برنامه‌ریزی درمان مورد تاکید قرار گرفته است (دورینگ، بورگمر، هیفت، منکه، بومر، لوبکینگ و اشنايدر، ۲۰۱۴).

مفهوم کارکرد شخصیت در طیف وسیعی از مدل‌های معاصر برای توصیف تنوع در آسیب شناسی شخصیت، از جمله مدل جایگزین DSM-5 اختلالات شخصیت (AMPD)^۳ و اختلالات شخصیت بعدی ICD-11^۴ ارائه شده است. سطوح تشخیص روان پویایی عملیاتی شده (OPD)^۵ محور یکپارچگی ساختاری (LSIA)^۶ یا مدل سازماندهی شخصیت پیشنهاد شده توسط کرنبرگ^۷ (۱۹۹۳) فراتر از آن، مفاهیم مشابهی در مدل‌های شخصیت غیر بالینی با هدف توصیف تنوع در ظرفیت‌های پردازش و تنظیم اولیه مرتبط با هیجان، نشان داده می‌شوند، که به همه‌جای این مفهوم در تحقیقات مختلف و سنت‌های کاربردی اشاره می‌کند (جاوک و ارنثال، ۲۰۲۱).

همه این مدل‌ها در این ایده مشترک هستند که کارکرد شخصیت، یکپارچگی ساختاری، سازمان‌دهی شخصیت یا شایستگی عاطفی، ظرفیت‌های اساسی مرتبط با هیجان را توصیف می‌کنند که زیربنای جنبه‌های خاص‌تر شخصیت هستند. این جنبه‌های بنیادی از الگوهای خاص‌تری از تجربه و رفتار که تمایل فرد به احساس و عمل به شیوه‌ای خاص را توصیف می‌کنند، قابل تشخیص هستند. این جنبه اخیر، بسته به سنت روانشناختی، یا بر حسب تعارضات غالب (مانند سیستم OPD) یا ویژگی‌های شخصیتی (مانند سیستم‌های DSM-5 و ICD-11) توصیف می‌شود. به عنوان مثال، سبک شخصیت خودشیفته به عنوان تجلی یک تعارض غالب در سیستم OPD (تعارض در سیستم عزت نفس) و ترکیبی از ویژگی‌های توصیفی (جنبه‌های تضاد) در سیستم DSM-5 در نظر گرفته می‌شود. سطح کارکرد درون فردی و بین فردی که فرد - در این مثال خودشیفته - بر اساس آن عمل می‌کند، به عنوان شاخصی از کارکرد شخصیتی در نظر گرفته می‌شود، از عدم نقص تا آسیب شدید. بنابراین، در این مسیر تفکر، این سطح کارکرد شخصیت، به جای جنبه‌های خاص‌تر شخصیت است که از شدت آسیب‌ها خبر می‌دهد (دورینگ و همکاران، ۲۰۱۴).

کارکرد شخصیت معمولاً توسط پزشکان یا محققان آموزش دیده با استفاده از مصاحبه‌های استاندارد یا نیمه استاندارد شده، مانند STIPO^۸ که قبلاً ذکر شد، مصاحبه OPD، یا مصاحبه بالینی ساختاریافته برای AMPD ارزیابی می‌شود. همه اینها ارزیابی‌های

^۱- American Psychiatric Association

^۲- Doering, Burgmer, Heuft, Menke, Bäumer, Lübking & Schneider

^۳- alternative model of personality disorders

^۴- International Classification of Diseases 11th Revision

^۵- operationalized psychodynamic diagnosis

^۶- levels of structural integration axis

^۷- Kernberg

^۸- Jauk & Ehrental

^۹- structured interview of personality organization

تشخیصی قابل اعتماد و معتبری هستند که مجموعه‌ای از پیامدهای کلی مرتبط بالینی، مانند تعداد تشخیص‌ها، بار علائم و عملکرد کلی را پیش‌بینی می‌کنند. مصاحبه‌های خبره را می‌توان با معیارهای خودگزارشی کارکرد شخصیت، که برای همه سیستم‌ها ایجاد شده‌اند، تکمیل کرد (نوذری گرابی، عبدی و چلبیانلو، ۱۳۹۹).

مدل شش عاملی ساختار شخصیت (هگزاکو)

مدل هگزاکو تحولی است که از تمایل محققان برای ارزیابی شخصیت ناشی می‌شود. گرچه نتیجه مستقیم این خواسته نیست، اما به دلیل این انگیزه و دهه‌ها تلاش مدل هگزاکو برای این امر به کار خواهد رفت. با توجه به وظیفه پیچیده ارزیابی شخصیت، تصمیم بر این شد که از روشی سیستماتیک استفاده شود و روش مورد توافق استفاده از تحلیل عاملی بود. با این حال، این مسئله جدیدی ایجاد کرد، زیرا تعیین اینکه کدام یک از ویژگی‌ها باید در تجزیه و تحلیل عاملی استفاده شود، موضوع بحث بسیاری بوده است. راه حل این موضوع بر اساس یک فرضیه لغوی بود. به بیان ساده، این فرضیه حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی که در جامعه اهمیت دارند منجر به تکوین کلماتی می‌شود که هم سطح بالا و هم پایین این صفات را توصیف می‌کند (کریمی و مینایی، ۱۳۹۶).

اولین کاربرد رویکرد واژگانی به باومگارتنر، روانشناس صنعتی سوئیس نسبت داده می‌شود که از آن برای طبقه‌بندی کلمات در زبان آلمانی استفاده می‌کند. اگرچه باومگارتنر اولین شخصی بود که از آن استفاده کرد، آلپورت و اودبرت در سال ۱۹۳۶ این کار را دنبال کردند و این رویکرد را در زبان انگلیسی به کار بردند. در طی تحقیقات واژگان دقیق آنها، لیستی از ۱۸۰۰۰ کلمه تهیه شده است. سپس به ۴۵۰۰ کلمه کوتاه شد و برای توصیف ویژگی‌های شخصیتی استفاده گردید. این لیست کلمات توسط محقق ریموند کتل به ۳۵ اصطلاح کاهش یافته است. او اجازه داد سایر محققان این لیست را بنویسند، او تجزیه و تحلیل عاملی را انجام داد که ۱۲ عامل را شناسایی کرد. با این حال، تکرارهای دیگر محققان قادر به ارائه این رقم نبودند (احتمالاً به دلیل توسعه روش تجزیه و تحلیل عاملی). اگرچه ۱۲ عامل بازتولید نشد، پنج نماد به طور سیستماتیک بازتولید شدند. این ۵ ویژگی اساس مدل ارزیابی شخصیت پنج عامل بزرگ شخصیت را ایجاد نمود که بعداً توسط پژوهش‌های بعدی مورد تأیید قرار گرفت. با محبوبیت بیشتر پنج عامل بزرگ شخصیت، محققان این سوال را مطرح کردند که آیا این ویژگی‌ها در زبان‌های دیگر نیز وجود دارد؟ پس از مطالعات بسیار در چندین زبان، مشخص شد که پنج عامل بزرگ در واقع به طور مداوم در زبان‌های دیگر یافت می‌شود. هنگامی که جستجو به زبان‌های دیگر گسترش یافت، مشخص شد که عامل ششمی نیز در فرهنگ‌های دیگر ظاهر می‌شود. این ویژگی به ویژگی صداقت و فروتنی تبدیل شده است. کشف ویژگی صداقت - فروتنی در زبان‌های دیگر، محققان را به فکر فرو برد که چرا در تحقیقات اصلی به انگلیسی این ویژگی یافت نشده است. پاسخ این سوال زمانی بدست آمد که از رایانه‌های مدرن استفاده شد تا مشخص شود که این ویژگی ششم در واقع در زبان انگلیسی ظاهر می‌شود. با استفاده از مجموعه کاملی از کلمات که قبلاً در ۷۵ گروه مختلف گروه بندی شده بودند، تکرارها مشخصه ششم را نشان می‌داد که قبلاً وجود نداشت. این مطالعه بین فرهنگی به پنج عامل بزرگ اجازه داد تا ویژگی صداقت-فروتنی را بیفزایند و به الگویی جدید تبدیل کنند. این الگوی جدید در مدل HEXACO در نهایت توسط اشتون و لی به طور رسمی معرفی گردید (زمانی فروشانی، علی قنواتی، نجفلوی ترکمانی و شریفی، ۱۳۹۵).

در شش عاملی، پنج تا از عامل‌ها به صورت گسترده با مدل پنج عاملی شباهت داشتند به جز این که جایگاه توافق پذیری و ثبات هیجانی در پنج عاملی عوض شد. به ویژه محتوی‌های مربوط به صبوری در مقابل بدخلقی به عنوان زیر مجموعه‌ی سازگار بودن تعریف شدند تا ثبات هیجانی، همان طور که در مطالعات واژه‌ای انگلیسی زبان قبلی موجود بود. به علاوه، حساسیت در مقابل سختی در بعد عامل تهییج پذیری (یعنی ثبات هیجانی پایین) در نظر گرفته شد نه آن طور که در مطالعات قبلی مطالعات واژه‌ای زبان انگلیسی زبان موجود بود. توجه داشته باشید که به خاطر همین تغییرات ثبات هیجانی بود که اشتون، لی (۲۰۱۹) پیشنهاد کردند که قطب بعدی این بعد باید هیجان پذیری باشد که تنزل دهندگی کمتری نسبت به برچسب‌های سنتی روان‌نژندی یا ناپایداری هیجانی داشت. به هر حال

^۱ - Allport & Odebert

^۲ - Raymond Kettle

^۳ - Ashton & Lee

جذاب ترین شکل این راهکار، ظهور شش عاملی بود که بدون تناقضی با عنوان صداقت تواضع، یعنی خلوص، بی طرفی، فروتنی، در مقابل مودعی، آزمندی، متظاهر (عالم بی عمل) تعریف شد. از این رو این بعد به نام صداقت- تواضع نام گرفت (حکمتی، محمود علیلو، سیدمهدوی اقدام و خجسته، ۱۳۹۵).

پژوهش هایی چند درباره این که آیا چارچوب هگزاکو توانسته برخی صفات شخصیتی که به خوبی در الگوی پنج بزرگ یا مدل پنج عاملی توضیح داده نشده اند را تبیین نمایند، انجام شده است. نتایج این مطالعات چنین حکایت می کنند که برخی صفات که به خوبی با مدل پنج عاملی مطابقت نداشته اند، در چارچوب هگزاکو، بهتر تبیین شده اند. به طور مثال ویژگی هایی نظیر خطر پذیری جسمی و زنانگی ارتباط نیرومندی با تهییج پذیری پایین در الگوی هگزاکو دارند، اما توسط هیچ ترکیبی از عوامل مدل پنج عاملی قابل توصیف نیستند. هم چنین، صفاتی از قبیل خودپسندی، فریبکاری و بی صداقتی به شدت با صداقت تواضع پایین الگوی هگزاکو ارتباط دارند، در حالی که در هیچ ترکیبی از عوامل مدل پنج عاملی نمی گنجد. این نتایج نشان می دهند که دامنه ویژگی های شخصیتی در الگوی هگزاکو، به صورت کامل تری نسبت به مدل پنج عاملی خلاصه گردیده است. اما اگر چه الگوی هگزاکو از نظر شمول ویژگی های شخصیتی، بر الگوی پنج عاملی رجحان دارد، چارچوب پنج بعدی، برای بسیاری از مقاصد، خلاصه بسیار مطلوبی از ویژگی های شخصیتی محسوب می گردد. از دهه ۱۹۸۰ تاکنون صدها پژوهشگر پنج عامل بزرگ را در سطحی وسیعی از مطالعات مرتبط با شخصیت مورد ارزیابی قرار داده اند. بنابراین مطالعه عوامل پنج بزرگ و هگزاکو، هر یک در جایگاه خود، و درک شباهت ها و تفاوت های بین این دو الگو، می تواند مفید باشد (اشتون و لی، ۲۰۱۹).

ابعاد شخصیت در تئوری هگزاکو

مدل هگزاکو دارای شش بعد است که به خاطر تعداد آن ها و همچنین حروف اول ابعاد آن به اختصار آن را HEXACO می نامند که دارای ابعاد زیر است:

۱- صداقت- تواضع

۲- تهییج پذیری

۳- برون گرایی

۴- خوشایندی

۵- وظیفه شناسی

۶- گشودگی نسبت به تجربه

صداقت - تواضع و مقیاس های آن

عامل صداقت- فروتنی مدل شخصیتی هگزاکو یکی از شش ویژگی اساسی شخصیت است. اضافه شدن این بعد به عنوان یکی از مهم ترین مشخصه های مدل هگزاکو واقع شد. در واقع یک جدایی اساسی از پنج عامل بزرگ بود. صداقت- فروتنی یک ویژگی شخصیتی اساسی است که نشان دهنده تمایل به منصف بودن و صادق بودن در برخورد با دیگران است، به معنای همکاری با دیگران، حتی زمانی که ممکن است کسی بدون تحمل انتقام از آنها استفاده کند. افرادی که سطوح بسیار بالایی از صداقت و تواضع دارند، از دستکاری برای منافع شخصی اجتناب می کنند، تمایل چندانی به شکستن قوانین ندارند، به ثروت و تجملات بی علاقه هستند و حق خاصی برای داشتن موقعیت اجتماعی بالا احساس نمی کنند. برعکس، افرادی با سطوح بسیار پایین در این مقیاس، دیگران را برای به دست آوردن هر آنچه که می خواهند تعریف می کنند، تمایل دارند قوانین را برای منافع شخصی زیر پا بگذارند، انگیزه شان منافع مادی است، و احساس قوی تری از خود دارند (بشرپور، ۱۳۹۴).

اشتون، لی و سون^۱ (۲۰۰۰) قبلا صداقت را به عنوان نامی برای این ابعاد پیشنهاد کردند اما این نام ممکن بود کاملا حیطة این محتوای وسیع را پوشش ندهد. بنابراین بعدا نام جدید صداقت- تواضع را پیشنهاد دادند که یکی از مهمترین آنها ویژگی های مدل هگزاکو است و انحراف عمده ای از پنج بزرگ با مدل پنج عاملی است. تعاریف رویه های آن در زیر آمده است.

^۱ - Ashton, Lee & Son

خلوص: اخلاص فضیلت کسی است که با کلیت احساسات و عقاید و افکار و خواسته‌های خود ارتباط برقرار کند و به گونه‌ای صادقانه عمل کند.

بی‌طرفی: ارزیابی تمایل به اجتناب از تقلب و فساد. دارندگان نمرات پایین تمایل به دزدیدن و تقلب کردن دارند. افراد دارای نمرات بالا برای به دست آوردن از افراد دیگر جامعه بی‌میل هستند.

دوری از طمع: مقیاس اجتناب از حرص و طمع، تمایل به بی‌علاقگی به داشتن ثروت هنگفت، کالاهای لوکس و نشانه‌های موقعیت اجتماعی بالا را ارزیابی می‌کند.

فروتنی: ارزیابی تمایل به فروتنی و تواضع دارند. نمرات پایین شامل خود برتری و خودشان را مستحق امتیازات می‌بینند. در حالی که افراد دارای نمرات بالا خودشان را مثل مردم معمولی می‌دانند بدون هیچ ادعایی برای خودشان. (رحمانی ملک آباد، فرخی و آقابیگی، ۱۳۹۴).

تهیج پذیری و مقیاس‌های آن

مطالعات مداوم واژه‌ای ساختار شخصیت، عاملی را شناسایی کرده‌اند که با ویژگی‌هایی از قبیل: اضطراب، واکنش عاطفی در مقابل خاطر جمعی (اعتماد به نفس)، سفت و سختی و شجاعت تعریف شده است. گرچه این عامل غالباً با عنوان عامل ثبات هیجانی پنج بزرگ تعبیر و تفسیر شده است، اما از برخی جهات مهم یا بعد سنتی ثبات هیجانی فرق دارد. این عامل تحریک پذیری و تند خویی را که در عامل سنتی ثبات هیجانی از عناصر مهم قطب منفی این بعد بود، نیست. دوم اینکه بر عکس بعد سنتی، این بعد جدید در قطب مثبتش شامل گرایش به احساسات، حساسیت و در قطب منفی شامل شجاعت و سفتی و سختی می‌باشد. با توجه به این ویژگی‌ها، آشتون و لی (۲۰۱۹) پیشنهاد می‌کنند که نام تهیج پذیری بهتر از ثبات هیجانی این عامل را شرح می‌دهد. با جمع بندی تفات‌ها، آشتون و لی (۲۰۱۹) پیشنهاد می‌کنند که تهیج پذیری می‌تواند نام مناسبی برای این بعد باشد. خلق تهیج پذیری به سطح انگیختگی یا تحریک پذیری فرد اشاره دارد. وقتی افراد را هیجانی توصیف می‌کنیم، منظورمان این است که آن‌ها به راحتی ناراحت می‌شوند و از کوره در می‌روند. در یک انتهای پیوستار تهیج پذیری، افرادی قرار دارند که به نظر می‌رسد بی‌تفاوت هستند و هیچ چیزی آن‌ها را آشفته نمی‌کند. در انتهای دیگر، افرادی قرار دارند که نسبت به کوچکترین تحریک حساس هستند. هر دو پاسخ افراطی، ناسازگارانه هستند، زیرا به انسان اجازه نمی‌دهند به صورت مناسب به موقعیت خاصی واکنش نشان دهد (گیورودت و فراهانی، ۱۳۹۷).

ترسوایی: ارزیابی تمایل تجربه ترس، نمرات پایین ترس کمتری از آسیب دارند و نسبتاً مقاوم و شجاع هستند و نسبت به دردهای جسمی حساس نیستند. دارندگان نمرات بالا به طور شدیدی از آسیب جسمانی اجتناب می‌کنند.

اضطراب: ارزیابی تمایل به یک نگرانی در موقعیت‌های مختلف. دارندگان نمرات پایین احساس استرس کمتری در مقابل مشکلات دارند در حالی که دارندگان نمره بالا درل مشغولی زیادی دارند حتی هنگامی که مشکل جزئی است.

وابستگی: نیاز فرد به حمایت عاطفی دیگران. دارندگان نمرات پایین اعتماد به نفس بالایی احساس می‌کنند و قادرند مشکلات را بدون کمک و نصیحت دیگران حل کنند در حالی که دارندگان نمرات بالا می‌خواهند مشکلاتشان را با کسانی که احساس دلگرمی و راحتی فراهم می‌کنند، در میان بگذارند.

احساساتی بودن: ارزیابی تمایل به احساس پیوستگی‌های عاطفی شدید به دیگران. دارندگان نمرات پایین زمانی که با دیگران خداحافظی می‌کنند یا در واکنش به دغدغه‌های دیگران احساس کمتری را تجربه می‌کنند. در حالی که دارندگان نمرات بالا پیوستگی‌ها و حساسیت همدردانه شدیدی را به احساسات دیگران دارند (حکمتی و همکاران، ۱۳۹۵).

برونگرایی و مقیاس‌های آن

برون گرایی یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً با انرژی بالا و/یا پرحرفی مشخص می‌شود. به طور کلی، این اصطلاح به حالتی از وجود اشاره دارد که در آن شخصی از بودن با افراد دیگر «شارژ می‌شود» یا انرژی می‌گیرد. برعکس - گرفتن انرژی از تنهایی - به عنوان درونگرایی شناخته می‌شود. براساس تجارب روزمره، احتمالاً می‌توان اغلب برون‌گرایان به دقت توصیف نمود. برون‌گرایان به سمت دنیای بیرون گرایش دارند، هم نشینی با دیگران را ترجیح می‌دهند و معاشرتی زودانگیخته، مخاطره جو، جسور و سلطه جو هستند. افزون بر این معلوم شده است افرادی که نمره بالایی در برون گرایی به دست می‌آورند، از افرادی که نمره پایین می‌گیرند هیجان‌های خوشایند

بیشتری را تجربه می کنند. افرادی که به عنوان افراد برون گرا شناخته می شوند، تمایل به جستجوی تجربیات جدید و ارتباطات اجتماعی دارند که به آنها امکان می دهد تا حد امکان با افراد دیگر تعامل داشته باشند. افرادی که به شدت برون گرا هستند، زمانی که مجبور شوند زمان زیادی را تنها بگذرانند، احتمالاً احساس بی حوصلگی یا حتی مضطرب می کنند. برونگراها، جامعه گرا هستند، اما توانایی اجتماعی فقط یکی از صفاتی است که حیطة برون گرایی دارای آن است. علاوه بر آن دوست داشتن مردم، ترجیح گروه‌های بزرگ و گردهمایی‌ها، با جرات بودن، فعال بودن و پرحرف بودن نیز از صفات برونگراها است. آنها برانگیختگی جنسی و نیز تحریک را دوست دارند و متمایلند که بشاش باشند. همچنین سرخوش، با انرژی و خوش بین هستند. مقیاس به طور قوی با علاقه به ریسک‌های بزرگ در مشاغل همبسته است (خدابخش پیرکلانی، کلانی و پیوسته گر، ۱۳۹۳).

عامل قابل تفسیری تحت عنوان برون گرایی به مثابه بزرگترین یا اولین عامل بزرگ چرخش واریماکس در اکثر مطالعات واژه ای ساختار شخصیت یافت شده است. محتویاتش شامل پرحرفی، معاشرتی بودن و بشاش بودن در مقابل خجول، منفعل، کم تحرک بودن تعریف شده است که خیلی با عامل برونگرایی پنج بزرگ شباهت دارد. بنابراین بعد برونگرایی هگزاکو پی. آی برای رده بندی کردن از رویه های بیان گری، جسارت اجتماعی، معاشرتی و سرزندگی استفاده شد. تعاریف این رویه ها در زیر آمده است.

بیان گری: ارزیابی تمایل افرادی که سبک روابط بین فردی مهیج و برانگیخته دارند. در نمرات پایین تمایل به صحبتی که در آن هیجان و سرزندگی نیست، می باشد، در حالی که در نمرات بالا خواهان گفتگوی زیاد و داری سبک هیجانی می باشد.

جسارت اجتماعی: ارزیابی افراد که در موقعیت های اجتماعی مختلف احساس راحتی و اطمینان می کنند. افراد با نمرات پایین در موقعیت اجتماعی که رهبری و یا صحبت می کنند احساس شرم و بی لیاقتی دارند.

معاشرتی (جامعه پذیری): ارزیابی تمایل به لذت از مکالمه، تعامل اجتماعی و مهمانی ها می باشد، نمرات پایین عموماً فعالیت‌های انفرادی را ترجیح می دهند و به دنبال معاشرت نیستند در حالی که در نمرات بالا، افراد از ملاقات کردن و همکاری با دیگران لذت می برند.

سرزندگی: ارزیابی اشتیاق و انرژی نوعی فرد. در نمرات پایین تمایلی به خوشی یا پویای خاصی ندارد در حالی که در نمرات بالا معمولاً یک احساس خوشبختانه و روحیه ی بالایی را تجربه می کنند. سرزندگی، ترکیبی از دو هیجان مثبت یعنی احساس لذت و احساس رغبت است و می تواند هیجانهای منفی را کاهش دهد. (خدابخش پیرکلانی، کلانی و پیوسته گر، ۱۳۹۳).

خوش آیندی و مقیاس های آن

محتوای مشترک به دست آمده از تحقیقات واژه ای گوناگون ساختار شخصیت برای بعد شامل خوش طبعی، تحمل پذیری، و دلپذیری در مقابل تندمزاجی، تحریک پذیری و مداخله گر و انتقادگر می باشد. قابل توجه است که محتویات این بعد با محتویات پنج عامل بزرگ متفاوت است. در نسخه هگزاکو سازگاری شامل تندمزاجی و تحریک پذیری است که یکی از عناصر ثبات هیجانی پایین است. براساس توضیحات بالا این بعد با رویه‌های بخشش، نجابت، انعطاف پذیری و بردباری مشخص شده است. (زمانی فروشانی و همکاران، ۱۳۹۵).

بخشش: ارزیابی رضایت فرد به احساس اعتماد و علاقه نسبت به آنهایی که احتمالاً بانی یک ضرری شده اند. نمرات پایین متمایل به کینه جویی نسبت به کسانی که آنها را رنجانده اند هستند در حالی که در نمرات بالا معمولاً مستعد اطمینان دورباره به دیگران و همچنین برقراری ارتباط دوستانه با کسانی که قبلاً با آنها بد کرده اند می باشند.

ملایمت (نجابت): ارزیابی تمایل به ملایمت و سهل گیری در رفتار با دیگر افراد می باشد. در نمرات پایین متمایل به نکوهش گری و برخورد منتقدانه در قضاوت در باره دیگران می باشند در حالی که دارندگان نمرات بالا از قضاوت ناگوار دیگران پرهیز می کنند.

انعطاف پذیری: ارزیابی اشخصی که خواهان مصالحه و همکاری با دیگرانند، در نمرات پایین به نظر می رسد که سرسخت و خواهان مشاجره هستند در حالی که نمرات بالا از بحث و مشاجره با دیگران دوری می کنند حتی هنگامی که ممکن است آنها غیر منطقی باشند.

بردباری: ارزیابی تمایل به حفظ آرامش در برابر خشمگین شدن، در نمرات پایین متمایل به از دست دادن سریع کنترل هستند در حالی که در نمرات بالا آستانه تحمل بالایی برای احساس یا تجربه خشم دارند. (احمدی، ۱۳۹۹).

وظیفه شناسی

وظیفه‌شناسی، تلویحا به معنی تمایل به انجام هر کار به طور خوب و نیز جدی گرفتن وظایف خود در برابر دیگران است. برخلاف کسانی که کارها را آسان می‌گیرند و بی‌نظمند، افراد وظیفه‌شناس به بهینه بودن و مرتب و منظم بودن گرایش دارند و اغلب کارآمد و سازمان یافته‌اند. این افراد اغلب انضباط شخصی دارند، شجاعانه عمل می‌کنند و هدفشان رسیدن به موفقیت و دستاورد است. رفتار آنها برنامه‌ریزی شده است و نه بی‌حساب و کتاب؛ و اغلب قابل اعتماد هستند. این ویژگی شخصیتی، در ویژگی‌های رفتاری‌ای مانند منظم بودن و رفتار سیستماتیک خودش را نشان می‌دهد. ویژگی‌های رفتاری دیگری مانند مواظب‌بودن، دقیق‌بودن و ژرف‌نگری (تمایل به فکر کردن با دقت، قبل از انجام کار) نیز از این دست هستند. وظیفه‌شناسی، هم در مدل شخصیتی پنج‌عاملی و هم در مدل شخصیتی هگزاکو، یکی از پنج ویژگی شخصیتی است و جنبه‌ای از آن چیزی است که در گذشته به آن، شخصیت اخلاقی گفته می‌شد. افراد وظیفه‌شناس، عموماً سخت‌کوش و قابل اعتماد هستند. آنها همچنین معمولاً تطابق‌پذیر هستند. در حالت افراطی، افراد وظیفه‌شناس، ممکن است "اعتیاد به کار"، "کمال‌گرا" و دارای رفتار جبری باشند. افرادی که از نظر وظیفه‌شناسی، امتیاز کمتری می‌گیرند، اغلب بی‌خیال‌تر هستند، کمتر هدفمند هستند و کمتر موفقیت‌محور هستند و همچنین با احتمال بیشتری درگیر رفتارهای ضداجتماعی و جنایی می‌شوند (غیور و وحدت و فراهانی، ۱۳۹۷).

به عبارتی دیگر این بعد بر اراده و قابلیت اطمینان تأکید دارد و شامل ویژگی‌هایی مانند وقت‌شناسی، مسئولیت‌پذیری و برنامه‌ریزی، سخت‌کوشی و تمرکز بر پیشرفت و پشتکار است. این ویژگی‌ها به افراد کمک می‌کند تا چالش‌های زندگی را قابل‌مدیریت و فرصتی برای یادگیری ببینند و به جای اجتناب از مشکلات، هدفمند با آنها برخورد کنند. بنابراین وظیفه‌شناسی به معنای رفتار مشارکتی، مسئولانه و هدفمند است و منعکس‌کننده احتمال مشارکت فردی در فعالیت‌های مبتنی بر جامعه، از جمله کمک داوطلبانه به افراد دارای سازمان‌های نیازمند است. در این صورت با وجدان عملکرد مناسب در کنترل تکانه‌ها، رفتارهای هدفمند شامل نظم و مسئولیت است. بنابراین افرادی که در این مقیاس نمره بالایی می‌گیرند، قابل اعتماد هستند و احساس مسئولیت بالایی دارند، تمایل دارند روی کار خود تمرکز کنند. آن‌ها پیشرو هستند و به شدت می‌خواهند خوب باشند. به همین دلیل است که همیشه در موقعیت‌های تحصیلی، دانشجویان به موفقیت‌های چشمگیری دست می‌یابند، از این رو ویژگی افراد با این ویژگی شخصیتی، اراده بالا و وجدان بیدار است. این افراد در مسائل زندگی خود بسیار مصمم و هدفمند هستند. براساس مطالعات ساختار شخصیت، این بعد از روبه‌های سازمان‌دهی، کارسخت، کمال‌گرایی، و دقت تشکیل شده است (گیلوک و پستلسویت، ۲۰۱۵).

سازماندهی: ارزیابی یک گرایش برای جستجو کردن یک نظم و ترتیب، به ویژه در محیط فیزیکی خود افراد با نمرات پایین نامرتب و اتفاقی عمل می‌کنند.

کارسخت: ارزیابی یک تمایل به سخت کار کردن. افراد با نمره پایین خود نظم‌دهی کم، و انگیزه چندانی برای پیشرفت ندارند در حالی که افراد نمره بالا اخلاق کاری قوی دارند و متمایل به نشان دادن خود هستند.

کمال‌گرایی: ارزشیابی یک گرایش به کامل کردن و علاقمند بودن به جزئیات.

دقت: ارزیابی تمایل به کنکاش دقیق و بازداری تکانه‌ها. افراد با نمره پایین طبق تکانه عمل می‌کنند و تمایل به ملاحظه کردن پیامدها ندارند. در حالی که افراد با نمره بالا انتخاب را با دقت بررسی می‌کنند و به هوشیاری و محتاط بودن و خودکنترلی تمایل دارند (مشیریان فراحی، اصغری ابراهیم آباد، گرجی و بیگدلی، ۱۳۹۷).

تجربه‌پذیری و مقیاس‌های آن

به عنوان یک بعد اصلی شخصیت، شناخته شده است. تجربه‌پذیری یکی از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی فرد سالم می‌باشد. این افراد از تجربه چیزهای جدید لذت می‌برند. خلاق، کنجکاو و دارای ذهنی باز هستند. خلاقیت و قدرت تصویرسازی بالایی دارند. افرادی که از تجربه‌پذیری کمتری برخوردار هستند تمایلی به تجربه چیزهای جدید در زندگی ندارند. ذهنشان بسته است. تمایل دارند در زندگی، یک برنامه همیشگی را دنبال کنند. تجربه‌پذیری می‌تواند بر همه بخش‌های زندگی یک فرد تأثیر بگذارد. نظیر فعالیت‌های خلاقانه، گرایش‌های سیاسی، نگرش فرد به رابطه جنسی و موارد دیگر تأثیرگذار باشد. تجربه‌پذیری به عنوان یکی از ویژگی‌ها در کنار عوامل زیاد دیگری، شخصیت فرد را شکل می‌دهد. شکل‌گیری شخصیت با عوامل بسیار دیگری در ارتباط است. عواملی نظیر میزان شادمانی، کیفیت

رابطه با دیگران و رضایت شغلی. که در این میان عوامل دیگری هم نظیر موقعیت های اجتماعی و شرایط محیطی نقش مهمی را ایفا می کند. تجربه پذیری در تجربه خیلی کمتر از عناصر انعطاف پذیری چون تصور فعال، احساس زیبا پسندی، توجه به احساسات درونی، تنوع طلبی، کنجکاوی ذهنی و استقلال در قضاوت، اغلب نقشی در ثنوری ها و سنجش های شخصیت ایفا نموده اند، اما به هم پیوستگی آنها در یک حیطه وسیع و تشکیل عاملی از آن به ندرت مطرح بوده شاید در وسیع ترین بعد بررسی شده است (بشرپور و همکاران، ۱۳۹۸).

نمرات تجربه پذیری با آموزش نمرات هوش همبسته است. تجربه پذیری مخصوصاً با جنبه های مختلف هوش چون تفکر واگرا که عاملی در خلاقیت می باشد، مربوط است. اما تجربه پذیری ظرفیت هوشی خیلی محدودی دارد. در قالب تحلیل عوامل اندازه های قابلیت ذهنی عامل ششم مستقلی را تشکیل می دهند که مؤلفین آن را خارج از حیطه شخصیت در نظر گرفته اند. مردان و زنانی که نمره پایینی در تجربه پذیری می گیرند، متمایل اند که رفتار متعارف داشته و دیدگاه خود را حفظ کنند، این افراد تازه های آشنا تر را ترجیح می دهند و پاسخ های عاطفی آنان خیلی محدود است. متقابلاً اشخاص تجربه پذیر غیرسنتی و غیرمتعارف هستند. علاقمندند همیشه سؤال کنند و آماده پذیرش عقاید سیاسی و اجتماعی و اخلاقی جدید هستند. این تمایلات نباید این چنین تلقی شود که آن ها افرادی غیر اصولی هستند. یک فرد تجربه پذیر ممکن است به سیستم ارزش های خود مسئولانه پاسخ دهد، همچنان مانند سنت گراها، افراد تجربه پذیر ممکن است از نظر روانشناسی خیلی سالم تر یا رشد یافته تر باشند اما تجربه پذیری یا تجربه ناپذیری ممکن است از نظر روانشناسی خیلی سالم تر یا رشد یافته تر باشند اما تجربه پذیری یا تجربه ناپذیری بستگی به اقتضاهای یک موقعیت دارد و افراد هر دو گروه کارهای مفید و مؤثرتری در جامعه انجام می دهند (کریمی و مینایی، ۱۳۹۶).

در چهارچوب هگزاکو به دلیل شباهت بیشتر با نام قبلی به جای خرد/پندار از گشودگی به تجربه استفاده شده است. تجربه پذیری در هگزاکو با چهار رویه: درک زیبا شناختی، کنجکاوری، خلاقیت و بی تکلیفی مشخص شده است تعاریف این مقیاس در زیر آمده است.

درک زیبا شناختی: ارزیابی افرادی که از زیبایی در هنر و طبیعت لذت می برند. افراد بانمره پایین به جذب شدن در کارهای هنری یا طبیعت تمایل ندارند. در حالی که در افراد با نمره بالا به فهم اشکال هنرهای گوناگون و زیبایی طبیعت گرایش دارند.

کاوشرگی: ارزیابی تمایل جستجویی اطلاعات و تجربه کردن دنیای طبیعی و انسانی. افراد با نمره پایین کنجکاوی کمتری در مورد طبیعت و علوم اجتماعی دارند. در حالی که افراد با نمره بالا بطور گسترده مطالعه دارند و علاقمند به مسافرت هستند.

خلاقیت: ارزیابی افرادی که ابداع و آزمایش را ترجیح می دهند. افراد با نمره پایین تمایل به فکر بذیع ندارند. در حالی که افراد با نمره بالا به طور فعال راه حل های جدید مسائل را جست و جو می کنند و خودشان را در هنر جای می دهند. خلاقیت ویژگی شخصی یا فرآیندی است که چیزی جدید و ارزشمند را شکل می دهد. آیتم ایجاد شده ممکن است ناملموس (مانند یک ایده، یک نظریه علمی، یک ترکیب موسیقی یا یک شوخی) یا یک شی فیزیکی (مانند یک اختراع، یک اثر ادبی چاپی یا یک نقاشی) باشد. خلاقیت ما را قادر می سازد تا مشکلات را به روش های جدید یا نوآورانه حل کنیم. با تشویق نوآوری، افزایش بهره وری، توانمندسازی سازگاری و تقویت رشد، به تجارت سود می رساند.

بی تکلیفی: ارزیابی تمایل به پذیرفتن نامعمول. افراد با نمره پایین از اشخاص ناهنجار یا غیر منطبق اجتناب می کنند در حالی که افراد با نمره بالا پذیرنده ی عقایدی هستند که ممکن است عجیب یا افراطی به نظر برسند (دارابی، ۱۳۹۷).

جمع بندی

یکی از تلاش های اساسی روانشناسان شخصیت در قرن بیستم، تلاش برای پایه گذاری مدل ساختاری بهینه ای برای صفات شخصیتی بود. در طی دو دهه ی اخیر توافقی نسبی حاصل شده که شخصیت می تواند در پنج بعد خلاصه شود که این پنج بعد عامل بزرگ معروف شد. این پنج عامل داری برچسب های برونگرایی، توافق پذیری، با وجدان بودن، ثبات هیجانی در برابر روانرنجوی و گشودگی تجربه هستند. در سالهای اخیر پژوهشگران با بررسی و تحلیل نتایج به دست آمده از خود گزارش دهی یا گزارش همسالان، به طور شگفت انگیز دریافتند که نتایج به دست آمده با شش عامل سازگاری دارد این نتایج از زبانهای نظیر هلندی، زبان فرانسوی، زبان المانی، زبان مجارستانی، ایتالیایی، کره ای و لهستانی به دست آمد. در این چاره سازی شش عاملی پنج مورد از عامل ها به صورت گسترده با مدل پنج عاملی

شبهات داشتند به جز اینکه جایگاه توافق پذیری و ثبات هیجانی در پنج عاملی عوض شد. به هر حال جذاب ترین شکل این راهکار، ظهور شش عاملی بود. اخیراً آشتون و لی این ابعاد شخصیت استخراج شده از مطالعات واژه ای را هگزاکو نامیده اند که اختصاری است برای صداقت - تواضع، تهییج پذیری، برونگرایی، توافق پذیری، وظیفه شناسی، و تجربه پذیر بودن می باشد.

منابع

- احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۹). نقش هیجان های دلخواه و هیجان های خوشایند در احساس خوشبختی. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۵ (۱۷)، ۱۹۱-۲۱۳.
- بشرپور، سجاد. (۱۳۹۴). *صفات شخصیت: نظریه و آزمون*. تهران: انتشارات ساوالان.
- بشرپور، سجاد، طاهری فرد، مینا، و محمدی، گلاویژ. (۱۳۹۸). ویژگی های روان سنجی نسخه فارسی فرم کوتاه پرسشنامه شخصیتی هگزاکو- ۲۴ سوالی در دانشجویان. *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۹ (۳۶)، ۸۹-۶۵.
- حکمتی، عیسی، محمود علیلو، مجید، سیدمهدوی اقدم، روح الله، و خجسته، سولماز. (۱۳۹۵). مطالعه مقدماتی روابط ساختاری عامل های شخصیتی هگزاکو با اختلالات شخصیت خوشه B. *مطالعات روان شناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء*، ۱۲ (۱)، ۴۲-۵۱.
- خدابخش پیرکلای، روشنگر، کلانی، نیلوفر، و پیوسته گر، مهرانگیز. (۱۳۹۳). رابطه رضایت از زندگی و عوامل برون گرایی شخصیت در آزمون های نئو و آیزنگ در دانشجویان رشته های مختلف دانشگاه های تهران. *مجله روانشناسی*، ۱۰ (۴)، ۱۱۷-۱۰۱.
- خسروی، دیمین، رسول بهی، شیرین، و مددلو، قهرمان. (۱۳۹۵). شخصیت از بینش روان شناسان. *کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، سازمان ها و مراکز غیردولتی، شیراز: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵*.
- خضری، ستاره، و معنوی پور، داود. (۱۳۹۴). ویژگی های روانسنجی پرسشنامه شخصیت هگزاکو در میان دانش آموزان. *شفای خاتم*، ۴ (۴)، ۵۰-۶۰.
- دارابی، جعفر. (۱۳۹۷). *نظریه های روانشناسی شخصیت: رویکرد مقایسه ای*. تهران: انتشارات آبیژ.
- رحمانی ملک آباد، مهدی، فرخی، نورعلی، و آقابیگی، جلال. (۱۳۹۴). هنجاریابی و کفایت شاخص های روان سنجی پرسشنامه ۶ عاملی شخصیت HEXACO-FFI-R در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۱۱ (۳۸)، ۷۳-۶۱.
- زمانی فروشانی، شهلا، علی قنواتی، سارا، نجفولی ترکمانی، زهرا، و شریفی، طیبه. (۱۳۹۵). الگوی ساختاری رابطه متغیرهای شخصیتی هگزاکو و شادکامی: بررسی نقش واسطه ای سبک های اسنادی. *روش ها و مدل های روان شناختی*، ۷ (۲۴)، ۲۵-۱۲.
- غیورودت، بهمن، و فراهانی، محمدنقی. (۱۳۹۷). رابطه صفات شخصیتی در مدل شش عاملی شخصیت (هگزاکو) با نگرش سیاسی شهروندان شهر تهران. *پژوهش های روانشناسی اجتماعی*، ۲۹، ۷۶-۵۹.
- قاسم زاده، رامین، و محمود علیلو، مجید. (۱۳۹۸). پیش بینی بدتنظیمی هیجانی در افراد دارای نشانه های مرزی براساس عامل های پنجگانه شخصیت در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز. *فصلنامه روانشناسی تحلیلی- شناختی*، ۱۰ (۳۶)، ۴۵-۵۴.
- کریمی، حسن، و مینایی، اصغر. (۱۳۹۶). ویژگی های روانسنجی و ساختار عاملی پرسشنامه شخصیت هگزاکو و مقایسه رابطه آن با پنج عامل اصلی شخصیت در بین دانشجویان دختر و پسر شهر تهران. *فصلنامه علمی- پژوهشی روان سنجی*، ۶ (۲۲)، ۵۸-۴۳.
- مرتضوی، زهرا، و امیری مجد، مجتبی. (۱۳۹۷). رابطه ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزند پروری مادران با پرخاشگری کودکان دبستانی. *جامعه شناسی آموزش و پرورش*، ۶ (۶)، ۱۶۹-۱۵۸.
- مشیریان فراحی، سیده مریم، اصغری ابراهیم آباد، محمدجواد، گرجی، علی، و بیگدلی، ایمان الله. (۱۳۹۷). ویژگی های روانسنجی پرسشنامه پنج عاملی بزرگ شخصیت برای کودکان و نوجوانان در مشهد. *علوم اعصاب شفای خاتم*، ۷ (۱)، ۲۲-۱۳.
- مهدی زاده، طاهری، و خرم آبادی، یدالله. (۱۳۹۹). پیش بینی خودسوزی براساس ویژگی های شخصیتی و جمعیت شناختی در زنان شهر/ایلام. پایان نامه کارشناسی ارشد، همدان: دانشگاه پیام نور.
- نجاریان، کتایون، و عبدی، رضا. (۱۳۹۸). بین ابعاد نابهنجار شخصیت و مشکلات بین فردی سالمندان. *مقاله پژوهشی سالمند*، ۱۴ (۴)، ۴۲۵-۴۳۳.

- نوذری گرابی، فاطمه، عبدی، رضا، و چلبیانلو، غلامرضا. (۱۳۹۹). *الگوی ارتباطی بین ابعاد ناپهنجار شخصیت، سیستم مغزی رفتاری، اضطراب و اختلالات شخصیت خوشه ب*. پایان نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- یوسفی، فایق، تیموری، پروانه، آزادی، نامعلی، خاصی، بیتا. (۱۳۹۵). بررسی فراوانی تیپ شخصیتی (درونگرا و برونگرا) و هیجان (ثبات، نوروز و سایکوز) دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان. *مجله علوم پزشکی زانکو*، ۱۲، ۱۸-۲۷.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2019). Recovering the HEXACO personality factors—And psychoticism—From variable sets assessing normal and abnormal personality. *Journal of Individual Differences*.
- Ashton, M. C., Lee, K., & Son, C. (2000). Honesty as the sixth factor of personality: Correlations with Machiavellianism, primary psychopathy, and social adroitness. *European Journal of Personality*, 14(4), 359-368.
- Atkinson, R. L., Atkinson, Richard C., Smith, Edvard, O., Daryl, C., & Hvkmsa, S. N. (2012). *Hylgard psychology*. Translated by Mohammad Naghi Baraheni, Birashk, Mehrdad Beik, Reza Zamani, Saeed Shamloo, M Shahraray, Yousef Karimi, Nissan Gahan, M. Mohiuddin and K Hashemian (2005) Tehran: Publications Roshd.
- Doering, S., Burgmer, M., Heuft, G., Menke, D., Bäumer, B., Lübking, M., ... & Schneider, G. (2014). Assessment of personality functioning: Validity of the operationalized psychodynamic diagnosis axis IV (structure). *Psychopathology*, 47(3), 185-193.
- Funder, D. C. (2012). Accurate personality judgment. *Current Directions in Psychological Science*, 21(3), 177-182.
- Giluk, T. L., & Postlethwaite, B. E. (2015). Big Five personality and academic dishonesty: A meta-analytic review. *Personality and individual differences*, 72, 59-67.
- Jauk, E., & Ehrental, J. C. (2021). Self-reported levels of personality functioning from the operationalized psychodynamic diagnosis (OPD) system and emotional intelligence likely assess the same latent construct. *Journal of personality assessment*, 103(3), 365-379.
- Ziegler, D. J. (2016). Defense mechanisms in rational emotive cognitive behavior therapy personality theory. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 34, 135-148.